



وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار،

بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

سوره مبارکه آل عمران _ آیه ۱۶۹

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخستین ارگان و سازمانی که از سوی آمریکا مورد تحریم همه‌جانبه قرار گرفت ارتش بود. در این میان با توجه به ماهیت ماموریت و تجهیزات حساس و مهم نیروی هوایی و وابستگی شدید تجهیزات هوایی به آمریکا، نیروی هوایی در صف مقدم خودکفایی، طراحی، ساخت قطعات، تجهیزات و جهاد خودکفایی قرار گرفت.

نیروی هوایی در طول این سال‌ها در صفوف مقدم تمام کارهای افتخارآمیزی که از نیروهای مسلح انتظار می‌رفت، قرار گرفت. در دوران دفاع مقدس، نیروی هوایی در بخش آفند و پدافند کارهای درخشانی انجام داد. و در هر ماه تعداد از تیزپروازان این نیرو در راه دفاع از میهن به شهادت رسیدند. در این مطلب به معرفی شهدای مرداد ماه نیروی هوایی می‌پردازیم.

تیمسار خلبان شهید عباس بابایی



سرلشکر شهید عباس بابایی، در سال ۱۳۲۹ در شهرستان قزوین متولد شد. وی دوره ابتدایی و متوسطه را در همان شهر به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۸، به دانشکده خلبانی نیروی هوایی راه یافت و پس از گذراندن دوره آموزش مقدماتی برای تکمیل دوره به آمریکا اعزام شد.

بابایی در سال ۱۳۴۹، برای گذراندن دوره خلبانی به آمریکا رفت و پس از بازگشت با ورود هواپیماهای پیشرفته «اف - ۱۴» به نیروی هوایی، وی که جزء خلبان‌های تیزهوش و ماهر در پرواز با هواپیمای شکاری «اف - ۵» بود، به همراه تعداد دیگری از همکاران برای پرواز با هواپیمای «اف - ۱۴» انتخاب و به پایگاه هوایی اصفهان منتقل شد.

با اوج‌گیری مبارزات علیه نظام ستمشاهی، بابایی به‌عنوان یکی از پرسنل انقلابی نیروی هوایی، در جمع دیگر افراد متعهد ارتش به میدان مبارزه وارد شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وی گذشته از انجام وظایف روزمره، به‌عنوان سرپرست انجمن اسلامی پایگاه، به پاسداری از دستاوردهای پرشکوه انقلاب اسلامی پرداخت. بابایی با دارا بودن تعهد، ایمان، تخصص و مدیریت اسلامی چنان درخشید که شایستگی فرماندهی وی محرز و در مردادماه ۱۳۶۰ فرماندهی پایگاه هشتم هوایی بر عهده او گذاشته شد.

به هنگام فرماندهی پایگاه با استفاده از امکانات موجود آن، به عمران و آبادانی روستاهای مستضعف نشین حومه پایگاه و شهر اصفهان پرداخت و با تأمین آب آشامیدنی و بهداشتی، برق و احداث حمام و دیگر ملزومات بهداشتی و آموزشی در این روستا، گذشته از تقویت خط سازندگی انقلاب اسلامی، در روند هر چه مردمی کردن ارتش و پیوند هرچه بیشتر ارتش با مردم خدمات شایان توجهی را انجام داد.

بابایی، با کفایت، لیاقت و تعهد بی‌پایانی که در زمان تصدی فرماندهی پایگاه اصفهان از خود نشان داد، در آذرماه ۱۳۶۲ با ارتقاء به درجه سرهنگی به سمت معاون عملیات نیروی هوایی منصوب و به تهران منتقل گردید.

او با روحیه شهادت‌طلبی به همراه شجاعت و ایثاری که در طول سال‌ها، در جبهه‌های نور و شرف به نمایش گذاشت، صفحات نوین و زرینی به تاریخ دفاع مقدس و نیروهای هوایی ارتش نگاشت و با بیش از ۳۰۰۰ ساعت پرواز با انواع هواپیماهای جنگنده، قسمت اعظم وقت خویش را در پروازهای عملیاتی و یا قرارگاه‌ها و جبهه‌های جنگ در غرب و جنوب کشور سپری کرد و به همین ترتیب چهره آشنای «بسیجیان» و یار وفادار فرماندهان قرارگاه‌های عملیاتی بود و تنها از سال ۱۳۶۴ تا هنگام شهادت، بیش از ۶۰ مأموریت جنگی را با موفقیت کامل به انجام رسانید.

وی برای پیشرفت سریع عملیات‌ها و حسن انجام امور، تنها به نظارت اکتفا نمی‌کرد، بلکه شخصاً پیشگام می‌شد و در جمیع مأموریت‌های جنگی طراحی شده، برای آگاهی از مشکلات و خطرات احتمالی، اولین خلبان بود که شرکت می‌کرد.

بابایی به علت لیاقت و رشادت‌هایی که در دفاع از نظام، سرکوبی و دفع تجاوزات دشمنان از خود بروز داد، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۲ به درجه سرتیپی مفتخر گردید.

تیمسار عباس بابایی صبح روز پانزدهم مرداد ماه سال ۱۳۶۶ مصادف با روز عید قربان همراه یکی از خلبانان نیروی هوایی (سرهنگ نادری) به منظور شناسایی منطقه و تعیین راه کار اجرای عملیات، با یک فروند هواپیمای آموزشی اف-۵ از پایگاه هوایی تبریز به پرواز درآمد و وارد آسمان عراق شد.

وی پس از انجام دادن مأموریت، به هنگام بازگشت، در آسمان خطوط مرزی، هدف گلوله‌های تیربار ضد هوایی قرار گرفت و از ناحیه سر مجروح شد و بلافاصله به شهادت رسید.

امیر سرلشکر خلبان شهید محمد نوژه



محمد نوژه هشتم فروردین سال ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم ریاضی در زادگاهش پی گرفت و در همان سال وارد دانشگاه افسری شد و بعد از اتمام دانشکده جهت طی دوره سامانه‌های کنترل سلاح به آمریکا اعزام شد، اما علاقه وافر او به خلبانی باعث شد تا وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی شود. محمد نوژه دوره مقدماتی پرواز را در ایران و دوره تکمیلی آن را در آمریکا فرا گرفت و در سال ۱۳۵۱ با اخذ نشان و مدرک خلبانی به جمع خلبانان هواپیمای «اف-۴» پیوست.

وی در طول دوران خدمت خویش به عنوان افسر سامانه‌های کنترل اسلحه «گردان ۱۰۱ شکاری»، رئیس شعبه عملیات مشترک، معاونت عملیات

پایگاه ششم، فرمانده «گردان ۳۱ شکاری» «پایگاه سوم» در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران عهده‌دار مسئولیت‌هایی بوده که در کمال صداقت به انجام رسانیده است.

سرلشکر خلبان محمد نوژه مأموریت‌های بسیاری را انجام داد تا سرانجام در پی فرمان امام(ره) برای کمک به دکتر مصطفی چمران که در مأموریتی پر مخاطره هلی‌کوپتر او مورد اصابت گلوله واقع شده و در نتیجه وی در محاصره مهاجمان مسلح گرفتار آمده بود، داوطلبانه به این عملیات اعزام شد.

وی در ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ به همراه ستوان یکم خلبان بشیر موسوی (کابین عقب) که به جهت پشتیبانی از بالگردهای نیروی زمینی ارتش و ستون اعزامی کرمانشاه به پناه اعزام شده بود پس از انجام عملیات، در حین انجام گشت‌های هوایی، هواپیمای آنها مورد اصابت آتشبار عناصر ضدانقلاب قرار گرفت و از کنترل خارج شد.

درحالی که دست راست خلبان کابین جلو در اثر اصابت گلوله به درون کابین قطع شده بود، متأسفانه هیچ یک از خلبانان فرصت استفاده از صندلی‌پران را نیافتند و هواپیما به کوه اصابت کرد و در منطقه قشلاق بین پناه و روانسر سقوط کرد و در حالی که سرگرد خلبان محمد نوژه روزه بود با خون خویش افطار کرد.

در پی این واقعه پایگاه سوم شکاری همدان به پایگاه شهید سرلشکر خلبان محمد نوژه تغییر نام یافت.

امیر سرلشکر خلبان شهید محمد هاشم آل آقا



محمد هاشم در ۲۷ آبان سال ۱۳۲۴ در خاندان بزرگ «آل آقا» که از خانواده‌های سرشناس شهر کرمانشاه است متولد شد دوران تحصیل خود در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر کرمانشاه گذراند. با اعلام مخالفت مادرش با وجود عشقی که به پرواز داشت از این کار منصرف شد، اما علاقه وافر وی به ارتش که همانا عشق خدمت به وطن بود باعث شد که نهایتاً به جمع نیروهای مسلح بپیوندد.

به دنبال آن وی پس از شرکت در آزمون ورودی، موفق به راهیابی به دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش شده و با توجه به عطش درونی اش در میل به بال گشودن همزمان در جهت جلب رضایت مادر گام بر می‌دارد.

پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه افسری اصرار وی کارگر افتاده و مادر به خلبان شدن فرزند راضی می‌شود. هاشم که گویی در ابتدای راه قرار دارد، با نیروی مضاعفی بلافاصله اقدام کرده و با شرکت در آزمون دانشکده خلبانی از این امتحان نیز سربلند بیرون آمده و با رسیدن به آرزوی دیرینه خود به جرگه دانشجویان خلبانی نیروی هوایی ارتش می‌پیوندد. با اتمام کلاس‌های زمینی و آموزش مقدماتی پرواز، طبق روال آن روز نیروی هوایی برای تکمیل دانش پرواز خود راهی ایالات متحده می‌شود. با اتمام دوره، مفتخر به دریافت وینگ خلبانی شده و راه بازگشت به وطن را در پیش می‌گیرد.

سروان خلبان هاشم آل آقا مقارن با سال ۱۳۵۰ به کشور بازگشته و با امریه ستاد فرماندهی نیروی هوایی به عنوان کمک خلبان جنگنده اف ۴ فانتوم، به «پایگاه هفتم شکاری شیراز» منتقل می‌شود. در ادامه در سال ۱۳۵۱ برابر امریه دیگری برای ادامه انجام وظیفه به پایگاه یکم شکاری تهران فرستاده می‌شود.

او که در زمان پیروزی انقلاب از افسران ارشد نیرو محسوب می‌شد و مدت‌ها بود که به عنوان استاد خلبان، آموزش خلبانان را به عهده گرفته بود پس از پیروزی انقلاب امر آموزش را با جدیت بیشتری پیگیری شد.

با شروع جنگ تحمیلی فعالانه وارد صحنه نبرد شد و در عین حال از آموزش جوانان غافل نشد تا اینکه به علت رشادت، جدیت و جسارت در امور محوله در سال ۱۳۶۲ از طرف فرماندهی وقت نیرو به سمت جانشین فرماندهی عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌شود.

سال ۱۳۶۳ بود و تقویم روز ۲۰ مردادماه را نشان می‌داد و آسمان آبی خلیج فارس هم یکی از گرم‌ترین روزهای خود را سپری می‌کرد. خلبان «محمد هاشم آل‌آقا» و کمک خلبانش در یک تامکت طی ماموریتی مشغول اسکورت نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری کشورمان بود که در همین اثنا ناگهان مورد حمله چند فروند جنگنده میراژ اف ۱ عراقی قرار می‌گیرند. درگیری آغاز می‌شود و پس از مدتی جنگ و گریز، تامکت «آل‌آقا» مورد اصابت موشک شلیک شده از طرف جنگنده عراقی قرار گرفته و به درون آب سقوط می‌کند.

امیر سرلشکر خلبان شهید حسین لشکری - اولین اسیر جنگ و آخرین آزاده



خلبان آزاده حسین لشکری، ملقب به «سیدالاسراء ایران»، در سال ۱۳۳۱ در روستای ضیاءآباد شهرستان قزوین به دنیا آمد. وی دوره تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به قزوین رفت.

در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ دیپلم برای انجام خدمت سربازی به «لشکر ۷۷ خراسان» اعزام شد. همان موقع با درجه گروهان سومی در رزمایش مشترکی که بین نیروی زمینی و هوایی انجام می‌گرفت، حضور داشت و با خلبانان شرکت کننده در رزمایش آشنا شد. پس از آن شور و شوق فراوانی به حرفه خلبانی در وی ایجاد شد؛ به طوری که پس از پایان دوره سربازی در آزمون دانشکده خلبانی شرکت کرد و پس از موفقیت به استخدام نیروی هوایی درآمد.

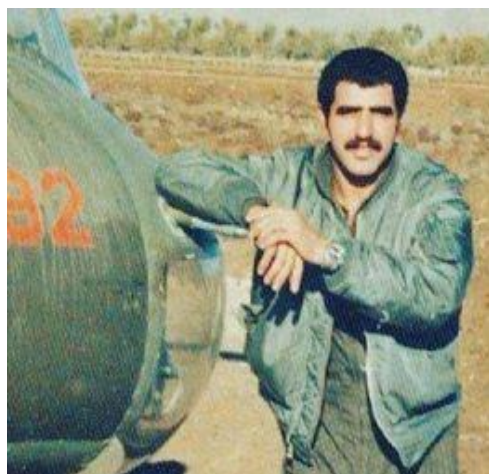
در سال ۱۳۵۴ پس از گذراندن مقدمات آموزش پرواز در ایران، برای تکمیل دوره خلبانی به آمریکا اعزام شد و با درجه ستوان دومی به ایران بازگشت و به عنوان خلبان هواپیمای شکاری «اف - ۵» مشغول به خدمت شد. ابتدا در پایگاه تبریز مشغول به کار بود، ولی با شدت گرفتن تجاوزات رژیم بعث عراق به پاسگاه‌های مرزی جنوب و غرب کشور، برای دفاع از حریم هوایی میهن اسلامی به دزفول منتقل شد.

حسین لشکری با آغاز جنگ تحمیلی به خیل مدافعان کشور پیوست و پس از انجام ۱۲ ماموریت هواپیمای وی مورد اصابت موشک دشمن قرار گرفت و مجبور به ترک هواپیما شد و در خاک دشمن به اسارت نیروی بعث عراق درآمد. وی سه ماه اول دوران اسارت در سلول انفرادی بود و پس از آن در مدت ۸ سال با حدود ۶۰ نفر دیگر از هم‌زمان در یک سالن عمومی و دور از چشم صلیب سرخ جهانی نگهداری شد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ وی را از سایر دوستان جدا نمودند و قسمت دوم دوران اسارت ۱۶ سال به طول انجامید. سرانجام به نیروهای صلیب سرخ معرفی شد و دو سال بعد در روز هفدهم فروردین سال ۱۳۷۷ به ایران بازگشت.

امیر سرلشکر خلبان لشکری جانباز ۷۰ درصد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که با تحمل ۱۸ سال اسارت دشمن بعثی و مقاومت جانانه در برابر تهدید و تطمیع و شانتاژ رژیم بعث عراق، پیروزمندانه به میهن اسلامی بازگشته بود، در بدو ورود در دیدار صمیمانه با فرماندهی معظم کل قوا ضمن تجدید بیعت با معظم له مفتخر به لقب سیدالاسرای ایران از سوی رهبر معظم انقلاب شد و در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۷۸ به درجه سرلشکری ارتقا یافت. این خلبان سرافراز سرانجام در روز نوزدهم مرداد سال ۱۳۸۸ بر اثر عارضه‌های ناشی از دوران اسارت در سال‌های جنگ تحمیلی به شهادت رسید.

امیر سرلشکر خلبان شهید جعفر مهدوی ملک کلایی



خلبان شهید جعفر مهدوی ملک کلایی یکی از خلبانان شهید هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران است که دهمین روز از مردادماه سال ۱۳۳۳ در روستای ملک کلا از توابع شهرستان قائم‌شهر در خانواده‌ای مذهبی و متدین چشم به جهان گشود. جعفر به علت محیط و فضای مذهبی و دینی خانواده خود از همان روزهای نخست زندگی به مرور با احکام و الفبای دین اسلام آشنا شد و در کنار تحصیل معلومات و دانش مذهبی خود را هم افزایش داد.

او بسیار باهوش بود و این هوش را در علاقه خود به درس و طلب علم نشان داد به نحوی که دوران دبستان و دبیرستان را به سرعت طی کرد

و به راحتی توانست دیپلم خود را دریافت کند. یکی از نشانه‌های علاقه جعفر به کسب علم را می‌توان طی فاصله چهار کیلومتری بین روستای خود تا شهر دانست که او همواره در این مسیر رفت و آمد می‌کرد و هیچ گاه خسته نمی‌شد. پس از دریافت مدرک دیپلم به مدت یک سال در یک مدرسه ملی معلم بود و اوقات فراغت خود را به مطالعه کتب مذهبی سپری می‌کرد تا روح خود را جلا دهد.

او روح بلندپروازی داشت و معلمی روحش را ارضا نمی‌کرد و به همین دلیل هم با وجود مخالفت‌های خانواده‌اش معلمی را رها کرد و در سال ۱۳۵۲ در رسته خلبانی به استخدام ارتش درآمد. جعفر در دوران آموزش خلبانی در هوانیروز نیز همواره از نظر درسی و نمرات مرتبط به درس‌های خود سرآمد و ممتاز بود. در دوره آموزش خلبانی مقام اول را کسب کرد و به یکی از خلبانان برجسته هوانیروز تبدیل شد. او فردی بسیار مودب و فروتن بود که باعث می‌شد تا نسبت به پدر و مادرش احترام ویژه‌ای قائل باشد. البته او با سایر افراد نیز به خوبی برخورد می‌کرد و همچون درخت پرباری بود که با وجود پر بار بودن هر روز بیش از گذشته فروتنی نشان می‌داد. سال ۱۳۵۷ با دختر خاله خود ازدواج کرد. طول دوران زندگی مشترکش ۱۵ ماه بود و ثمره این ازدواج دختری است که در زمان شهادت پدر ۵ ماهه بود.

او به مأموریت‌های زیادی اعزام شد و کارهای خارق العاده‌ای انجام داد. مثلاً وقتی شهر پاوه در آتش و خون می‌سوخت و در حال سقوط بود، او شهید چمران و شهید فلاحتی را به پاوه آورد و با آن که هلیکوپترش تیر خورده بود، اما بدون دستپاچگی آن را کنترل کرد و سالم به زمین نشاند. سپس برای آوردن مهمات بارها و بارها به همین شکل پرواز کرد که نتیجه اش جلوگیری از سقوط و در نهایت آزادی پاوه بود. جعفر در گرماگرم این مأموریت‌های خود هر زمان کوتاهی که به دست می‌آورد به صورت تلفنی با همسرش تماس گرفت. حال فرزند نو رسیده را می‌پسید و پس از شنید صدای گریه او، با اشتیاق بیشتری عازم انجام مأموریت خود می‌شد.

نام شهید مهدوی به همراه خلبان شهید محمد وجدانی به عنوان اولین شهدای هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ثبت شد است.

فرازی از وصیت نامه شهید

ما از خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. خدایا! تو می‌دانی که من چیزی عزیزتر از جانم نداشتم که فدای تو کنم. خدایا! تو می‌دانی که این انقلاب بزرگ اسلامی حاصل زحمت انسان‌هایی است که خون‌های‌شان نهال تازه اسلام را زنده کرده است. این انقلاب برای ما نقطه شروع حرکتی است که ابتدا و انتهایش همان است که تو در قرآن وعده داده‌ای و من امید دارم که با نثار خونم این نهال تازه را جان دهم.

شهید سرهنگ خلبان محمد فاتح چهر



محمد فاتح چهر در خرداد ماه ۱۳۲۲ در تهران متولد شد. پس از پایان تحصیلات در مهر ماه ۱۳۴۰ به نیروی هوایی پیوست و با ورود جنگنده «اف ۵» به عنوان خلبان این هواپیما انتخاب شد، ولی بعد از ورود هواپیمای «اف ۴» جزو معدود خلبانانی بود که برای پرواز با این جنگنده نیز برگزیده و مستقیماً آموزش کابین جلو را طی کرد.

تا اوایل انقلاب اسلامی در پایگاه یکم بعنوان فرمانده گردان خدمت کرد و سپس با انتصاب مرحوم دادپی به فرماندهی پایگاه ششم، به این پایگاه منتقل شد.

صبح روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ یک فروند هواپیمای «اف ۴» به خلبانی سرگرد محمد فاتح چهر و کمک سروان محمود امام، به قصد گشت هوایی خلیج فارس به پرواز در می‌آید چرا که در آن زمان شایعه شده بود آمریکا قصد دارد پایگاه هوایی بوشهر را بمباران کند، اما بدلیل برخورد با آب، این دو خلبان آسمانی می‌شوند.